

گامی چند در باغ همیشه مصفاي موسیقی ایران

* کنسرت موسیقی سنتی [پژوهشی
بر اساس ردیف استاد دوامی، به
مناسبت یکصدمین سال تولد و دهمین
سال درگذشت استاد عبدالله دوامی]

* آواز: نصرالله ناصح پور / سنتور:
مجید کیانی

* جای اجرا: سالن اصلی تئاتر شهر

شنونده‌اش، مانند هنر مینیاتور؛ باید ارتباطی دوستانه و صمیمانه وجود داشته باشد. صداهای فراوان و «اکو» در موسیقی ایرانی زائد است. و از این روی است که میزان سکوت، نشان‌دهنده حد اکثر تشویق است. دیگر برای هنرمندانمان از باب تشویق کف نزنیم که در خموشی کیمیا بین، کیمیا را تازه کن. «
اگر چه آن شب هم، دوستانه‌ان موسیقی به رغم توصیه استاد کیانی، از بروز و ظهور تشویقهای برخاسته از عمق جان، دریغ و مضایقه نکردند، اما در هر حال طرح این نکته تازه‌یاب، شاید که در برنامه‌های آتی، مطمح نظر علاقمندان قرار گیرد.

این برنامه به سبب روح و فضای پژوهشگرانه‌اش بیشتر به جستاری آموزشی و مصوّت می‌مانست تا اجرائی حرفه‌ای از ردیف و مایه و مقامهای موسیقی ایرانی؛ و اتفاق را که همین ویژگی، لطف و بداعت خاصی به برنامه بخشیده بود. عبدالله دوامی، که به سال ۱۲۷۰ در تفرش به دنیا آمد و ۲ روایت از زمان فروپوشی چشمان همواره روشن و پرسنده‌اش وجود دارد [۵۹/۱۲/۶ به روایت بروشور برنامه، ۲۰/۱۰/۵۹ به روایت کتاب چهره‌های موسیقی ایران، تألیف شاپور بهروزی] از چهره‌های نامیرا و جادوانه موسیقی ایرانی در قلمرو تنبک‌نوازی و تصنیف‌خوانی بود.

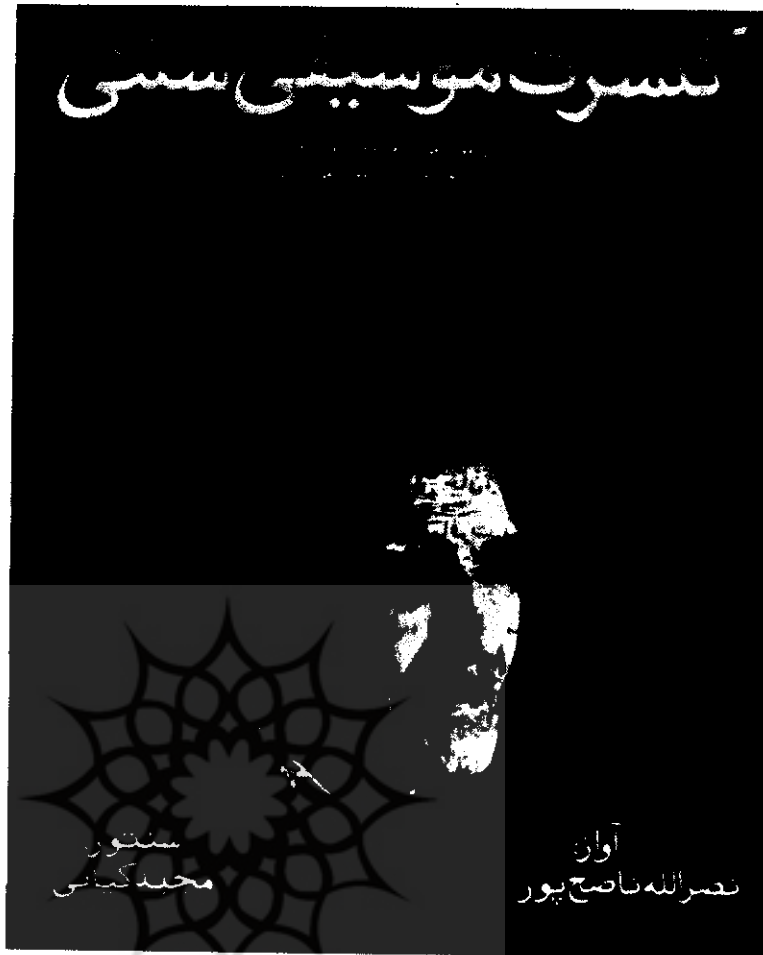
روش استاد دوامی در تنبک، ادامه سنت حاج خان عین‌الدوله‌ای بود. اما دوامی به رغم همه تبحرش، تنها نوازنده‌ای خلاق و آفرینشگر و تصنیف‌خوانی استاد و چیره‌دست نبود. علاقه و شوق لبریز و مالمال، گوش دقیق، ذوق سلیم، سلیقه صحیح و حس پاک و بی‌شائبه‌اش، به علاوه ویژگی پژوهشگرانه و زنی‌طلبگی دائمش، وی را به دریا و انبوهانی از آگاهیها و ردیف‌دانی موسیقی سنتی بدل کرد.

استاد دوامی با تدریس در هنرستان آزاد موسیقی ملی و مکتب صبا، و نیز تدریس خصوصی در کاشانه پر رونق و درویش مشربانه‌اش تا بازپسین سالهای عمر، در طی این راه کوشا و صمیم بود.

اما برنامه موسیقی سنتی با سخنان متقن و مستدل مجید کیانی آغاز شد. کیانی ضمن گرامیداشت یاد خاطره استاد دوامی، برای سندیت بخشیدن به پژوهیدن مفید و ممتعش بخشی از تار لطفی را با صوت خوش و رسای دوامی نمونه آورد:

از آن به دیر مغانم عزیز می‌دارند
که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست
اما کیانی، به خیر مستوفا و جالب خاطرش در باره استاد دوامی، سخن دیگری نیز در باره برنامه داشت:
«سالنهای ما برای موسیقی غربی و عامه‌پسند ساخته شده‌اند و برای موسیقی سنتی، مقامی و جدی ما مناسب نیستند. ما باید برای همیشه، میکروفن و پخش صدا از طریق بلندگورا فراموش کنیم، که صدا بدون میکروفن رساتر و گویاتر است. بین موسیقی ایرانی و

سنت موسیقی سنی



و آنگاه غزلی از لسان الغیب را با صدای موسع و گوشنوازش زمزمه کرد:

چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست
سخن شناس نئی دلبرا سخن اینجاست
در اندرون من خسته دل نسدانم کیست
که من خموشم و او در فغان و در غوغاست
مرا به کار جهان هرگز التفات نبود
رخ تو از نظر من چنین خوش آراست
چه ساز بود که بنواخت مطرب عشق
که عمر رفت و هنوز هم دو گوش پرز صداست
و سرانجام بیت الغزل این شعر که ذکر مدام استاد

نصرالله ناصح پور، این شاگرد باوفا و ندیم مشفق و همیشه یار استاد دوامی، با صدای خوش، وسیع و پردامنه و نیز انحاء تقریر دلنشین و مقبول طبعش در بحور گوناگون شعر و آواز، در دو قسمت برنامه‌هایی را با سبک و سیاق تحریر مقام و ردیف استاد دوامی عرضه داشت: قسمت اول در دستگاه شور و آواز کرد بیات، و قسمت دوم در دستگاه چهارگاه. در قسمت اول، استاد ناصح پور با گشت و گردشی استادانه، تصنیفی را با این حُسن مطلع شروع کرد:

اگر مستم من از عشق تو مستم
بیا امشب به بالینم که هستم ای طیبم



پروژه تحقیقاتی در زمینه مطالعات فرهنگی
مجموعه علوم انسانی
مركز مطالعات فرهنگی و اجتماعی

دوامی بوده و در برنامه هم، بیشتر با صدای خود استاد نیشیدیم.

از آن به دیر مغانم عزیز می دارند
که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست
چنین که صومعه آلوده شد به خون دلّم
گرم به باده شویدی حق به دست شماس
صبا به گل بگو غزالی رعنا را
که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را

و پس از آن، استاد ناصح پور به همراه زخمه‌های استادانه و برتافته از حسن بلیغ و جان جهان موسیقار کیانی، یک دو بیتی را زمزمه کرد:
«من آن نیم که حلال از حرام نشناسم / شراب با تو حلال است و آب بی تو حرام»
و ترنم و پرسه‌ای چند در هوایی دیگر و «نستالژی» و غم غریب و جادویی بود و پرند یاد باد ای عهد شباب که هر چه کرد از آن ایام بود و بس.

روز وصل دوستداران یاد باد
یاد باد آن روزگاران یاد باد
مبتلا گشتم در آن بند و بلا
کوشش آن حق‌گزاران یاد باد
گر چه یاران فارغند از یاد من
از منی‌شان را هزاران یاد باد
راز حافظ بعد از این ناکفته ماند
ای دریغا رازداران یاد باد
استاد ناصح پور - این خلف سلف استاد دوامی -
شعر و گزینه‌های آوازش را با دقت و امعان نظر خاصی انتخاب کرده بود. و ارادت استاد دوامی به حافظ نشان‌دهنده جای پای محکم و استوار ناصح پور در بوستان پرگل و ریحان و همیشه مصفا‌ی شعر و ادب فارسی بود: «استاد دوامی شعر را خیلی خوب می‌شناخت و به حافظ ارادتی تام داشت. از فرهنگی گسترده و بینشی بارآور و عمیق برخوردار بود. صفای قلب و غنا و استغنائی روان شفته‌اش از او انسانی بزرگ ساخته بود.» ناصح پور نیز همواره موسیقی را نه در کنج و گنجای عسرت و عزلت که در متن بی جنجال و هیاهو و به دور از نفع و ضررهای مرسوم و متعارف، کنکاش و کند و کاو می‌کند.

ناصر پور نیز چونان استادش، تنها به پژوهش و آموزش هنری می‌پردازد، و برنامه‌های ۲ و ۴ و ۶ آذرماه که به یاد دوامی برگزار شد؛ اولین عرضه عمومی و همگانی ناصح پور در حضور مشتاقان آواز ایرانی به عشق و علاقه استاد دوامی بود و بس. صدایش پرطنین و مشی و مشفش همیشه جاودانه باد.

اما بخش دوم برنامه که در دستگاه چهارگاه اجرا شد. در این بخش هم، استاد ناصح پور، چند غزل و یک تصنیف را در غایت پاکیزگی صدا و لطف معناخواند که بر جان و دل حاضران نشست. غزلی از حافظ با مطلع:

«فاش می‌گویم و از گفته خود دل شادم / بنده عشقم
و از هر دو جهان آزادم»
تا

«پاک کن چهره حافظ به سر زلف ز اشک / و رنه این
سیل دمامد بکند بنیادم»

و شروع تصنیف زیبا و زمزمه‌گر:

«یکی دختری داشت خاقان چو ماه»

که تا به آخر اجرا شد.

و سرآخر هم حسن ختام برنامه:

نیست در سودای زلفت کار من جز بی‌قراری
ای پریشان طره تا چندم پریشان می‌گذاری
نازنینا جانب میخانه مگذار کاین حریفان
با بنوشندت که جامی یا بگیرندت که راهی
روزگاری چون تو بودم من هم اندر نزد جانان
ای شب هجران تو پنداری برون از روزگاری
در طریق عشق‌بازی امن و آسایش بلاست
ریش باد آن دل که با درد تو خواهد مرهمی
بازی، سرخم می سلامت شکند اگر سبوتی، با
گراهیداشت یاد استاد عبدالله دوامی، که چهره‌اش هنوز زنگ غبار و زنگارهای زمینه و زمانه را برمی‌نشانند و با امید به پیش و پژوهش راه وی توسط استادانی چون ناصح پور و کیانی، چشم به راه برنامه‌های دیگر از انجمن موسیقی ایران هستیم.